

تربیت شایسته حق کودک است

گفت‌وگو با حجة الاسلام دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان درباره حقوق کودک در اسلام

تنظیم از: ابوالفضل نفر

است. یکی از بحث‌هایی که در خانواده‌های مسلمان مطرح است، کام‌برداری فرزندان است. میان خانواده‌های شیعه توصیه شده است که کام فرزندانمان را با آب فرات یا تربت کربلا برداریم. هم‌چنین توصیه شده است از زمان نوزادی به کودکان سلام کنید؛ نوزاد هنوز کلمات و عبارات را تشخیص نمی‌دهد، اما لحن گرم و صمیمی پدر و مادر و مربی را حس می‌کند و احساسات مثبت و سازنده با سلام کردن به بچه منتقل می‌شود. پیامبر اسلام (ص) می‌فرمایند: «از چیزهایی که خیلی دوست دارم، سلام دادن به کودکان است.»

□ یکی دیگر از حقوق فرزندان که بسیار سفارش شده است، انتخاب نام نیک است. در این خصوص هم توضیحی بفرمایید.

■ بله. روایت‌های اسلامی بر نامگذاری فرزندان پیش از تولد تأکید کرده‌اند و حتی گفته شده که اگر نمی‌دانید فرزند دختر است یا پسر، دو نام انتخاب کنید. براساس روایات، اگر فرزندان پسر متولد شد او را به نام پیامبر بخوانید و اگر دختر شد به نام یکی از زنان پارسا مانند خدیجه کبری (س) یا فاطمه زهرا (س) بنامید. نامگذاری یعنی حرمت نهادن یعنی به چشم آمدن. در روایت آمده است که پیامبر حتی بر مرکب و اشیاء مورد استفاده خود نام خاص نهاده بودند، بنابراین نامگذاری

کار بسیار سختی است. لذا باید برای تربیت فرزندان از خداوند مدد گرفت و درعین حال دانش و مهارت‌های حرفه‌ای تربیت‌کودکان را هم باید آموخت. بخشی از امر تربیت آموختنی است. فرزندآوری به‌طور غریزی در نهاد انسان‌ها وجود دارد. همان‌گونه که موجودات زنده نیز هر کدام به‌نوعی تکثیر و تولید دارند. پروراندن و تربیت فرزندان بسیار دشوار است و به قاعده، ضابطه، الگو و روش نیازمند است. یعنی باید مبانی روش‌ها و الگوها را بشناسیم و با عنایت خداوند متعال عوامل دیگر را هم در خدمت تربیت فرزندانمان به کار بگیریم.

□ لطفاً درباره حقوق فرزندان بر پدر و مادر در اسلام توضیح دهید؟

■ اولین حق فرزند این است که آن‌ها را با شعائر دینی آشنا و به تعبیری تلقین کنیم. از این‌روست که در آموزه‌های تربیتی اسلام، نخستین تکلیف پدر و مادر خواندن اذان و اقامه در گوش فرزندان است. یعنی در آموزه‌های اسلام نام مقدس «الله» نخستین کلمه‌ای است که بر گوش فرزند طنین می‌اندازد و آخرین کلمه که از زبان مادر وداع و ارتحال از این دنیا خارج می‌شود، نیز واژه «الله» است. در واقع، بین دو ذکر «الله» زندگی و حیات ما سپری می‌شود. لذا اولین چیزی که فرزندان حق دارند و اولین تکلیف والدین است، تلقین شعائر الهی بر گوش فرزندان

مسئله حقوق کودک و موضوعاتی هم‌چون اعلامیه حقوق بشر و کنوانسیون حقوق کودک از اموری است که در سال‌های گذشته توجه رسانه‌های جمعی بسیاری به‌ویژه ارباب جراید و مطبوعات را به خود جلب کرده است.

حال آن که دین مبین اسلام قرن‌ها پیش درباره حقوق کودک سخن به میان آورده است و تکالیف ویژه‌ای را در این باره برای پدر و مادر و اطرافیان کودک برشمرده است. بزرگان و پیشوایان دینی نیز در عمل و سفارش به آن اهتمام بالایی داشته‌اند.

در این خصوص گفت‌وگوی ما را با حجة الاسلام و المسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان می‌خوانید.

□ براساس آموزه‌های دینی چگونه می‌توان زمینه تربیت شایسته فرزندان را فراهم کرد؟

■ اجازه بدهید از امام زین‌العابدین (ع) جمله‌ای نقل کنم که حاکی از اهمیت تربیت فرزند است. ایشان در فرازی از «صحیفه سجاده» در حق فرزندانمان دعا می‌فرمایند: «خداایا، تو خود مرا بر تربیت فرزندانم یاری کن.» یعنی بدون یاری خداوند تربیت و شکوفایی فرزندان در مسیر فطرت الهی



بر انسان‌ها خیلی اهمیت دارد. اساساً انتخاب نام نیک برای فرزندان یکی از وظایف پدر است که حضرت علی (ع) نیز در روایتی می‌فرمایند که چند چیز بر پدر و مادر تکلیف است و یکی از آن‌ها انتخاب نام نیک است. امام زین العابدین (ع) هم بر همین معنا تأکید می‌کنند.

□ چرا دین تا این اندازه بر انتخاب نام نیک تأکید دارد؟

■ تأکید دین بر هر نوع اسمی نیست، بلکه باید اسمی را برای فرزندان انتخاب کنیم که هویت اسلامی، دینی، انسانی و حتی هویت ملی او را به وی القا کند. گاهی انتخاب نام نامتناسب با شیئون اجتماعی فرزندان ما را در بزرگسالی دچار مشکل می‌کند. برخی روان‌شناسان و صاحب‌نظران مباحث تربیتی به این موضوع اشاره کرده‌اند که نامی برای فرزندان انتخاب کنید که پایه پای فرزندان بزرگ شود. بعضی از اسامی هستند که شاید در کودکی مناسب باشند، اما وقتی فرزند به نوجوانی، جوانی یا بزرگسالی می‌رسد و در جامعه ایفای نقش می‌کند، این اسامی شایسته آن‌ها نیست و پا به پای فرزندان بزرگ نمی‌شود. نکته دیگر این است که سابقه این نام به نوعی برای حیات اجتماعی و ارزشی فردی فرزندان الهام‌بخش باشد. نکته دیگر این است که ما باید به حق

با شیر مادر اتفاق بیفتد، اما احتمال دارد که برخی مادران نتوانند کودکشان را با شیر خودشان تغذیه کنند. با وجود این اساساً تأکید اولیه بر تغذیه با شیر «مادر» است که امروزه متخصصان و صاحب‌نظران علوم بهداشت و تغذیه نیز بر این معنا تأکید کرده‌اند که بچه‌هایی که از شیر «مادر» تغذیه می‌کنند، به لحاظ سلامت جسمی در بزرگسالی سالم‌تر و نسبت به بیماری‌ها مقاوم‌ترند. کسانی که از شیر مادر تغذیه نمی‌کنند، زیاد به بیماری دچار می‌شوند.

□ در دوره معاصر بخشی از تعلیم و تربیت فرزندان را نهاد تعلیم و تربیت به عهده گرفته است. یا به تعبیری در کنار نهاد خانواده شریک‌هایی مانند رسانه، مدرسه و... به ایفای نقش می‌پردازند. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا با

تابعیت فرزندانمان در انتساب به والدین توجه کنیم و به همین دلیل است که در اسلام نفی تبعیت و نفی ولد کردن از فرزند جایز نیست و آدم‌هایی که بخواهند چنین کاری را انجام دهند، در محکمه بسیار سنگین حقوقی مؤاخذه می‌شوند و اگر نتوانند چنین معنایی را اثبات بکنند، تنبیه و مجازات می‌شوند. پس داشتن نام نیک و داشتن حق تابعیت نسبت به پدر و مادر جزء حقوق فرزندان است.

□ اسلام اهمیت زیادی به تغذیه با شیر مادر داده است. لطفاً در این خصوص نیز توضیح بفرمایید.

■ نکته تربیتی دیگر تغذیه است که در تربیت فرزندان تأثیر دارد. مناسب‌ترین تغذیه در اسلام «شیر مادر» است و در قرآن کریم تأکید شده که فرزندان حق دارند که دو سال کامل از شیر مادرشان بخورند و رشد آن‌ها

پروراندن و تربیت فرزندان بسیار دشوار است و به قاعده، ضابطه، الگو و روش نیازمند است. یعنی باید مبانی روش‌ها و الگوها را بشناسیم و با عنایت خداوند متعال عوامل دیگر را هم در خدمت تربیت فرزندانمان به کار بگیریم

که بخشی از نیاز جامعه را رفع کنند. در این صورت وظیفه اصلی تربیت از دوش پدر و مادر برداشته نشده است، بلکه تفویض شده است که به وسیله گروهی متخصص تکمیل شود. البته والدین نیز باید نقش خود را در نظارت، مراقبت، پشتیبانی و تأمین کردن کودکان ایفا کنند. به همین جهت است که امروزه در نظام رسمی تعلیم و تربیت انجمن‌هایی مانند انجمن خانه و مدرسه یا انجمن اولیا و مربیان تشکیل می‌شود.

البته ارتباط بین والدین با مربیان و معلمان حرف تازه امروز یا ۵۰ سال پیش نیست. در متون اسلامی مانند کتاب "منیه‌المربد" از شهید ثانی نیز به این مسئله توجه شده است. در آن جا آمده است: والدین (البته تأکیدش بر پدر است) باید با مربی و معلم فرزندش ملاقات کند و حتی می‌گوید مناسب‌ترین روز برای ملاقات پدر با مربی و معلم روز چهارشنبه است؛ چراکه روز چهارشنبه روز خلقت نور است و پدر و مادر که وجود فرزند را باعث شده‌اند با مربی که پدر روحانی اوست باید ارتباط برقرار

حق هدایت بدانیم، در «دولت هدایت»، دولت مکلف می‌شود که سیاست‌گذاری کند و زمینه‌های این هدایت را فراهم سازد.
□ به تعبیری، تربیت بیش از آن که ناظر به نیاز باشد، ناظر بر ترازهاست.

■ درست است. پدر و مادر عهده‌دار تحقق تربیت هستند، دولت هدایت نیز باید زمینه و سیاست لازم را برای نوع تربیت فراهم کند. از این رو وقتی در جوامع پیچیده امروزی تنوع نیاز پیش می‌آید و هر کدام از نیازها تخصص ویژه خود را طلب می‌کند، به تقسیم کار می‌انجامد. در زندگی جمعی همه کس نمی‌تواند همه نیازهایش را به تنهایی برآورده کند. اگر به کفش نیاز داریم به کفاش و اگر لباس می‌خواهیم به خیاط مراجعه می‌کنیم. و این گونه همه چیز تقسیم می‌شود. همه نمی‌توانند از عهده همه کارها برآیند. لذا می‌بینیم که شکل‌های صنفی تخصصی ایجاد می‌شود. پدر و مادر بخشی از وظایف خود را به نهادهای رسمی مثل مراکز پیش‌دبستانی، دبستان و... واگذار می‌کند و آن‌ها نیز براساس تخصص خود می‌پذیرند

ورود به سن تعلیم و تربیت رسمی نقش خانواده کاهش پیدا می‌کند؟ نکته دیگر این است که چگونه بین مجموعه‌های تربیتی که عهده‌دار نقش‌های تربیتی هستند، تعامل وجود داشته باشد که ما شاهد تناقض‌های تربیتی نباشیم؟

■ وظیفه اصلی تربیت فرزندان به عهده پدر و مادر است. ضمن این که سیاست‌گذار اصلی تعلیم و تربیت «دولت هدایت» است. بین «دولت هدایت» با «دولت رفاه» تفاوت وجود دارد. دولت رفاه برآمده از نیازهای رفاهی مردم است و می‌خواهد آن نیازها را جواب دهد. درحالی که «دولت هدایت» بر اندیشه‌ای مبتنی است که بحث اعتقادی و ایمان را تأمین و ترغیب می‌کند. اگر بگوییم که تعلیم و تربیت ناشی از حق آزادی انسان‌هاست، اساساً خود تعلیم و تربیت را دچار خدشه می‌کنیم. چراکه حق آزادی انسان‌ها ممکن است به آن‌ها اجازه دهد که چیزی را نپذیرند، درحالی که یک نظام رسمی مدرسه‌ای چیزهایی را به اجبار آموزش می‌دهد. اما اگر تعلیم و تربیت را



کنند، به هم‌اندیشی بپردازند تا صلاح او را تشخیص دهند.

□ به نظر شما موفقیت انجمن خانه و مدرسه یا اولیاء و مربیان در گرو چه عواملی است؟

■ انجمن خانه و مدرسه یا اولیاء و مربیان زمانی موفق است که بتواند اهداف ترسیم‌شده از سوی دولت هدایت را با همراهی هم تکمیل کند تا سیاست‌های تربیتی مدرسه با سیاست‌های تربیتی خانواده تعارض نداشته باشند. تعارض موجود بین سیاست‌های تربیتی خانه و مدرسه باعث می‌شود که فرزندان دچار تعارض شخصیتی شوند، چون فرزند هم پدر و مادرش را دوست دارد و هم معلمش را. اگر فرزندان ببینند پدر و مادر چیزی را می‌خواهند و در مقابل، معلم چیز دیگری می‌خواهد، دچار تعارض می‌شود. و نقش دوگانه‌ای بازی می‌کند؛ پیش‌پدر و مادر نوعی رفتار دارد و پیش‌معلم رفتاری دیگر. این حساسیت به‌ویژه در دوره‌ی خردسالی و ابتدایی بیش‌تر است، زیرا معمولاً مربی‌ها از پدر و مادر محبوب‌تر

در بخش آموزش در مدرسه و پیش‌دبستان چیزی اتفاق می‌افتد، اما در سایر نهادها و در برنامه‌هایی که متناسب کودک و نوجوانند، آن سیاست‌ها کاملاً تعقیب نمی‌شود. البته باید از صدا و سیما تشکر کنم که با راه‌اندازی شبکه‌ی آموزش سعی در تولید برنامه‌های متناسب و کارشناسی‌شده دارد، اما این‌ها کفایت نمی‌کند. تربیت صرفاً آموزش نیست، بلکه مجموعه‌ای فراگیر است که باید به‌صورت سازمان‌یافته با هم‌دیگر کار کنند.

□ رسالت اصلی تربیت اسلامی در جامعه ما به عهده کدام نهاد است خانواده، مدرسه یا جامعه؟

■ در تعلیم و تربیت یک چند ضلعی ایفای نقش می‌کند. خانه، مدرسه و حاکم اسلامی که تجلی حاکم اسلامی نهادهای اجتماعی تربیتی است، ضلع‌های این مدرسه را تشکیل می‌دهند. مانند خطابه‌ها، منبرها، نماز جمعه، دستگاه‌های تبلیغاتی مانند صدا و سیما، سازمان تبلیغات و مساجد و... که مجموعه این‌ها ایفای نقش می‌کنند و باید وظایفشان معلوم باشد.

هستند. اگر نتوانیم این سیاست‌ها را با هم هماهنگ کنیم، کودکان دچار تعارض می‌شوند. لذا نهاد مدرسه و خانه باید مکمل هم باشند. صدا و سیما از جمله نهاد‌های دیگری است که در آموزش و تربیت نقش دارد. این جمله‌ای که می‌گویم به معنی نقد نیست، بیان نقیصه است. سیاست‌گزاران اصلی ما گفته‌اند که مباحث فرهنگی باید در مرکزی رصد و فرماندهی شود که شورای عالی انقلاب فرهنگی است و سیاست‌های آموزشی در شورایی بالاتر از دستگاه آموزش و پرورش، وزارت علوم، وزارت ارشاد، صدا و سیما، سازمان تبلیغات و... باید ترسیم شود. یعنی شورای عالی آموزش و پرورش که همه‌ی نهادها و سازمان‌ها در آن عضو هستند، تا این سیاست‌گذاری‌ها هم‌پوشانی داشته باشند و هم‌دیگر را تقویت کنند. اما آیا واقعاً در مقام اجرا هم چنین است؟! قانون می‌گوید که در برنامه‌های کودک و نوجوان صدا و سیما ناظر تربیتی وزارت آموزش و پرورش باید حضور داشته باشد. آیا واقعاً این اتفاق می‌افتد؟ ما می‌بینیم که